

گفت‌وگو با خسرو معصومی درباره فراز و نشیب‌های سینمای ایران طی چند ماه گذشته

کمدی اگر اجاره‌نشین‌ها باشد کلاه از سر بر می‌دارم



● عین سینما: سید شایسته رفیق



● بهناز شیربانی

وقتی از سینمای اجتماعی حرف می‌زنیم، اندک فیلم‌سازانی در ذهنمان تصویر می‌شوند که در تمام سالیان رفته، دغدغه روایت قصه‌هایی از بیراموشان را داشته‌اند و می‌توان خسرو معصومی را یکی از همین فیلم‌سازان دانست. طی هفته‌های گذشته تعدد اکران فیلم‌های کمدی باعث رونق گیشه سینماها شده و عنوان پر فروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران در حال حاضر به تام کمدی‌ها ثبت شده است. در این میان اندک فیلم‌های جدی که به اکران رسیده‌اند، با وجود فروش در گیشه، به پای کمدی‌ها نمی‌رسند و همین موضوع بسیاری را نگران آینده سینمای جدی یا اجتماعی کرده است. با خسرو معصومی کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس صاحب‌نام سینما درباره شرایط حال حاضر سینمای ایران صحبت کردیم. او معتقد است که تفکر لازمه ساخت فیلم است و باید نگاهی دوباره به ساختار سینمای ایران انداخت. در ادامه گفت‌وگوی ما با خسرو معصومی را می‌خوانید.

● در ماه‌های گذشته تحلیل‌های بسیاری درباره شرایط اقتصادی سینما در سال جدید مطرح شد. از نبود فیلم‌های مخاطب‌پسند، افزایش قیمت بلیت و عدم میل به دیدن فیلم در سالن‌های سینما از سمت مردم تا دلایلی که هر یک تأثیری بر فروش گیشه سینما گذاشته. تحلیل شما درباره شرایط پیش‌روی سینمای ایران چیست؟

به نظرم مسیر سینما طی دو سال گذشته به انحراف رفته است. دیگر خبری از فیلم‌هایی که موقعیتی در سینما ایجاد می‌کردند نیست. البته که می‌توان دلایل بسیاری را برای به وجود آمدن این شرایط در نظر گرفت. مثل اعمال محدودیت‌های شدید و میزبی که بسیاری از فیلم‌سازان نمی‌توانند با آن کنار بیایند و سرمایه‌گذاران هم از ترس توقیف و به‌مشکل‌خوردن فیلم‌های اجتماعی، سعی می‌کنند با احتیاط قدم در این مسیر بگذارند یا اصلا ورود نکنند. تصور می‌کنم طی سال‌های اخیر نهادهایی که به کمک سرمایه‌گذار یا تهیه‌کننده سینما می‌آیند هم کمی تغییر مسیر داده‌اند و تا حد زیادی در آنجا روابط بر ضوابط غلبه می‌کند. طی سال‌های اخیر می‌بینم که اگر دوستان به فیلم‌سازی اعتماد داشته باشند و کارش را بیسندند وامی به او تعلق می‌گیرد و اگر غیر از این باشد که باید گرفتن وام از بنیاد سینمایی فارابی را فراموش کرد. معتقدم اساسا فیلم‌سازان اجتماعی در سینمای ایران تنها هستند و پشتوانه‌ای ندارند. وقتی حمایتی از آنها نشود طبیعی است که مسیر دشوارتری را طی می‌کنند. حالا مقایسه کنید با فیلم‌سازی که به سمت سینمای کمدی آن هم از نوع کمدی سخیف می‌روند. توقع دارید در این شرایط سینما به چه سمتی برود؟ به سال‌هایی فکر می‌کنم که فیلم‌سازان اجتماعی، مسیر سینما و فکر تماشاجی را تغییر دادند. فیلم‌سازانی که سعی کردند به گونه‌ای کار کنند که سینما برای مخاطبانش هم تفریح باشد و هم آموزشی. وقتی اکثر فیلم‌های ما عنوان کمدی‌های سطح پایین را به خود می‌گیرد، توقع دارید در این وضعیت برخورد مخاطب جدی سینما چطور باشد؟ طبیعی است که با سینما قهر می‌کند و اگر بین تعداد زیادی فیلم سخیف یک فیلم خوب و درست هم اکران شود، همان یکی هم دیده نمی‌شود.

به نظرم ریل‌گذاری دوستان در سینما به بن‌بست خورده است. ما از آن سینمای دغدغه‌مند که تماشاجی بسیاری داشت دور شدیم. زمانی فیلم‌هایی که فکر مخاطب را درگیر می‌کرد و به موضوعات اجتماعی سرگرم می‌کنند کم نداشتیم. واقعیت این است که الان این داغه از سمت فیلم‌سازان هم وجود دارد که دوست ندارند سمت ساخت چنین فیلم‌هایی بروند. در حال حاضر چیزی که از سینما انتظار داریم برآورده نمی‌شود. وقتی مسیر تغییر می‌کند، طبیعی است که تهیه‌کننده هم رغبتی برای ساخت چنین فیلم‌هایی نشان نمی‌دهد. دقیقا برعکس سال‌هایی که تهیه‌کنندگان سرمایه‌شان را صرف ساخت فیلم‌های اجتماعی که اعتبار سینمای ایران هم بود می‌کردند. این علاقه‌مندی دیگر وجود ندارد. چراکه احساس می‌کنند سرمایه‌شان به خطر می‌افتد.

● به گفته برخی از فیلم‌سازان ظاهرا بن‌بست ساخت بسیاری از آثار اجتماعی از مرحله پروانه ساخت وجود دارد.

بله. برخی از فیلم‌سازان پروانه ساخت می‌گیرند و بر اساس همان فیلم‌نامه تصویب‌شده فیلمشان را می‌سازند. باز می‌بینیم فیلم دچار مشکل می‌شود. فکر می‌کنم اندک فیلم‌سازی که همچنان در این حوزه فعالیت می‌کنند خیلی پوست‌کلفت هستند! وقت آن رسیده که تا حد زیادی این تفکر تغییر کند. باید اجازه داده شود که فیلم‌ساز در حوزه مسائل اجتماعی نظراتش را مطرح کند. به شرط به‌وجودآمدن چنین شرایطی فکر می‌کنم می‌توان همچنان به حیات سینمای اجتماعی امید داشت و انتظار داشت همچنان فیلم‌های خوب ساخته شود. در حال حاضر بسیاری از دوستان من که در حوزه سینمای اجتماعی کار می‌کنند دلسرد شده‌اند و احساس می‌کنند اگر کار نکنند بهتر است.

پنهان‌های آشکار

ادامه ازصفحه اول

دو ماجرا در هفته گذشته و البته خرمکسی که همین چند دقیقه پیش، نمی‌دانم از کدام فرصت استفاده کرده و بازماندن کدام پنجره‌ها ورا به درون اتاق کشانده، مرا به یاد رمان خرمکس انداخت و باعث نوشتن این یادداشت شد. ابتدای هفته، استیضاح وزیر صمت خبرساز بود و آن ماجرای خودروه‌های شاسی‌بلند که قرار بود او را بر مسند وزارت نگه دارد و پایان هفته، ماجرای این اظهار نظرمدیر کل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار که گفت با وضعیتی که پیش می‌رویم، دیه موضوعات اجتماعی باید گشته باشد و کیش و استان خوزستان را بفروشمیم تا بتوانیم حقوق بانزستانکار را بدیم. اظهار نظری که واکنش بسیار پدید آورد و سبب برکناری کوبنده‌اش شد.

در آن ماجرای اول، یعنی موضوع استیضاح وزیر صمت نیز یک اظهارنظر بود که به گمان من به اندازه همین سخن مدیر کل می‌توانست حاشیه‌ساز باشد و به همین اندازه می‌توانست زخمی عمیق را آشکار کند. آنجا که یکی از مدافعان وزیر، در اعتراض به استیضاح‌کنندگان گفت «ما همه در یک کشتی نشستیم».

آن نماینده مجلس کاملا درست می‌گفت، چراکه همین نمایندگان مخالف وزیر، از کسانی بودند که دو سال و نیم پیش نامه‌ای را امضا کرده و از جناب رئیس‌ی خواستند که کاندیدای ریاست‌جمهوری شود، تا با یک‌دست‌شدن حاکمیت، کاری بشود کارستان و حالا که نتیجه این یک‌دست‌شدن نه تنها ذره‌ای از

● فروش گیشه همچنان در دست کمدی‌هاست. روالی که البته طی سال‌های اخیر چشمگیر بوده و اتفاق تازه‌ای نیست. که البته همین موضوع باعث امیدواری برخی از سالن‌داران شده که پس از مدت‌ها مخاطب بیشتری را در سینما می‌بینند. برخی هم معتقدند تعدد ساخت و اکران قابل توجه فیلم‌هایی از این دست، فیلم‌سازان اجتماعی را به حاشیه برده است. چقدر با این گزاره موافقت؟

من برای سینمای کمدی کلاه از سر برمی‌دارم. اگر منظور از سینمای کمدی «اجاره‌نشین‌ها» باشد با احترام از آن یاد می‌کنم. اما متأسفانه در حال حاضر راجع به یک‌سری فیلم سخیف صحبت می‌کنیم که عنوان فیلم کمدی دارند. ژانر کمدی تعریف خاص خودش را دارد. هنوز هم با فیلم‌های چالپین می‌خندیم و ارتباط برقرار می‌کنیم. اما باور کنید چیزی که ما معدتا در سینمای حال حاضر می‌بینیم نامش کمدی نیست. لودگی و مسخره‌بازی درآوردن و حرف‌های توهین‌آمیز زدن یا شوخی‌های جنسی، نامش کمدی نیست.

اگر اسم چنین فیلم‌هایی کمدی است، من هم در مدت کوتاهی می‌توانم تعداد زیادی از این فیلم‌ها بسازم. سینمای کمدی برای خودش شخصیت و جایگاهی دارد. وقتی برخی دوستان اساس و گرامر ساخت فیلم کمدی را بلد نیستند، نتیجه می‌شود همین که می‌بینید. فیلم‌ها تبدیل می‌شوند به چیزی که فقط فکر می‌کنند مخاطب را به هر قیمتی بخندانند. ما بازیگری مثل رضا عطاران داریم که تماشاجی را در هر موقعیتی می‌چنداند. نکته قابل تاملی است که یک بازیگر هم در فیلم‌های کمدی و هم جدی توانایی جذب مخاطب را دارد. باید دنبال راهکار بهتری برای ساخت فیلم‌های کمدی و جذب حداکتری مردم باشیم. فکر می‌کنم این حس در تمام همکارانم که در این ۴۵ سال فیلم‌های اجتماعی یا فیلم‌های کمدی خوب کار کردند مشترک است که چرا زحمت سالیانی که برای سینمای ایران کشیده شد فراموش شده است. در سینمای ایران فیلم‌سازیانی مثل عباس کیارستمی، داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی، کیانوش عیاری و اصغر فرهادی تماشاجی تربیت کردند. هنوز هم وقتی «جدایی نادر از سیمین» از فرهادی را می‌بینید تحت تأثیر قرار می‌گیرید. حتی دنیا هم برای چنین فیلمی احترام قائل است. فیلم‌سازی که در مدت محدود یک فیلم، یک‌سری از مشکلات اجتماعی را مطرح می‌کنند. آیا حقیقتا سینمای ما آن‌قدر محافظه‌کار شده است؟

واضح است که باید عرصه ساخت فیلم‌های اجتماعی را برای فیلم‌سازان این حوزه باز گذاشت. یک فیلم‌ساز یا یک هنرمند در عرصه سینما باید این آزادی را داشته باشد که یک‌سری از مسائل را مطرح کند. فقط کافی است به ۲۰ سال گذشته نگاه کنیم. فیلم‌سازان ما در آن دوران فیلم‌هایی می‌ساختند که هم تماشاجی داشت و هم اعتبار جهانی برای سینمای ایران می‌آوردند. فیلم‌های اجتماعی همواره جایگاه خوبی بین مخاطبان ایرانی و خارجی داشته و موفقیت‌های بسیاری کسب کرده است. ۴۰ سال است که در سینمای ایران کار می‌کنم و ۱۴ فیلم ساختم‌ام. فکر می‌کنم به عنوان یک فیلم‌ساز اجتماعی هم خودم را تثبیت کردم اما من همچنان وقتی برای گرفتن سرمایه به نهادی مثل بنیاد سینمایی فارابی مراجعه می‌کنم، زمان نامشخصی را برای حمایت از فیلمم در آینده نشانم می‌دهند و نمی‌دانم آیا می‌توان به چنین وعده‌هایی دل‌خوش بود یا خیر؟ اگر بخواهیم بار دیگر به مبحث چرایی پر فروش‌شدن برخی فیلم‌های این روزهای سینمای ایران برگردیم باید بگویم نمی‌توان فقط به فروش‌های این‌چنینی دل‌خوش بود. پس اعتبار سینما چه می‌شود؟ در فرانسه فیلم‌سازی که می‌دانند حرفی برای گفتن دارد، همه‌جوره حمایت می‌شود. حتی برخی از فیلم‌سازان ایرانی هم از طرف این کشور برای فیلم‌سازی حمایت شدند. حتی سرمایه فیلم «برادران لیلآ» از

مشکلات را حل نکرده که تورم ۵۰درصدی را افتخار قلمداد

می‌کند و هیچ افق امیدوارکننده‌ای را در آینده نشان نمی‌دهد، همان‌ها که مشوق بودند، امروز از پذیرش آنچه کرده‌اند، شانه خالی می‌کنند و به قول ما عوام، «کسی‌گردن نمی‌گیرد». برای همین است که آن نماینده طرفدار وزیر صمت به هم‌بیمانان دیروز خود در آن نامه دعوت از جناب رئیس‌ی می‌گوید «ما همه در یک کشتی نشستیم» و گله می‌کند که چرا امروز از آن حمایت عقب می‌کشید؟

واقعیت اما امروز همین است که رخ داده، اینکه هبیتی هفت‌نفره، مصون از نظارت دستگاه قضا و با تعطیل‌کردن قوانین، دست به فروش اموال بزند تا بلکه شاید بتواند به‌گونه‌ای پولی فراهم کند، آن سخن مدیر کل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار را میز معنادار می‌کند و البته این هم کاملا قابل پیش‌بینی بود که وقتی کار به اینجا برسد که رسیده و تورم ۵۰درصدی باعث افتخار باشد، چه کسی است که حاضر نشود این همراهی و تشویق را که باعث چنین مدیریتی شده، گردن بگیرد؟ و طبیعی است که هرکس سعی می‌کند زودتر از این کشتی پایین ببرد و کشتی را در اولین فرصت ترک کند.

به گمان من، دانسته یا ندانسته، هم آن مدیرکل و هم این نماینده مجلس، در نقش نویسنده رمان «اتل لیلیان وینیچ» ظاهر شده‌اند و زخمی عمیق را نشان داده‌اند. زخمی که بسیاری را ناخوش می‌آید ولی گویا دیگر نمی‌شود انکارش کرد.

خارج از کشور تأمین شد و نمی‌توان هزینه چنین فیلم سنگینی را در ایران تأمین کرد. در نهایت با حمایت‌هایی از این دست فیلم‌های خوبی چون «برادران لیلآ» ساخته می‌شود. ای کاش قانونی در سینمای ما هم تصویب می‌شد که به موجب آن دوستانی که در عرصه سینما کار فرهنگی و هنری انجام می‌دهند حمایت مالی شوند. حمایت‌های مالی بلاعوض یا اینکه اگر فیلم فروش خوبی داشت سازندگانش جواب این اعتماد را بدهند و این چرخه تکرار شود و شامل حال تمام فیلم‌سازان شود.

● چند هفته‌ای است چند فیلم جدی سینمای ایران که می‌توانستند اقبالی در

فروش گیشه داشته باشند به صورت غیرقانونی توزیع شدند و همین موضوع ضرری

را متوجه سالن‌های سینما و البته صاحبان آثار کرده است. هرچند در گذشته هم

با چنین موضوعاتی روبه‌رو بودیم، اما به نظر می‌رسد موارد اخیر بسیاری را در

سینمای ایران نگران کرده است. فکر می‌کنید عملی‌ترین اقدام در این باره چیست

و چه باید کرد؟

وقتی همچنان قانون کپی‌رایت در کشور رعایت نمی‌شود ما گرفتار این مشکل هستیم. خاطرم هست فیلم «خرس» پس از گذشت مدت زمانی از توقیفش سر از ویتیوب درآورد و بعد از شبکه‌های ماهواره‌ای پخش شد. فیلمی که همچنان توقیف است. در چنین شرایطی با نبود قانونی کپی‌رایت کار چندانی برای مقابله با قاچاق کالاهای فرهنگی از ما برنمی‌آید. متأسفم که طی مدت گذشته این اتفاق تلخ برای آثار خوب سینمای ایران تکرار شده و فکر می‌کنم بسیاری از ما که در سینما کار می‌کنیم با این اتفاق تلخ روبه‌رو شده‌ایم و می‌دانم که ضرر بسیاری را متوجه سازندگان اثر می‌کند. خاطرم هست وقتی «خرس» قاچاق شد به بنیاد سینمایی فارابی که در ساخت فیلم سوپیم بود مراجعه کردم و تأکید کردم که فیلم سرس از شبکه‌های ماهواره‌ای و ویتیوب درآورده و خواستم پیش از اینکه نسخه قاچاق انتشار گسترده پیدا کند، جلوی انتشار آن گرفته شود یا ما به صورت رسمی فیلم را در پلتفرم‌هایی غیر از سالن‌های سینما منتشر کنیم اما با پیشنهادم موافقت نشد. بعد از گذشت این همه سال هنوز هم وقتی به فیلم «خرس» فکر می‌کنم متوجه توقیفش نمی‌شوم. آسیب‌های اجتماعی‌ای که در فیلم

این فیلم به‌هیچ‌وجه به سراغ موضوعات حساس نرفته است. رزمنده‌ای پس از

سال‌ها به شهرش برمی‌گردد. او که بسیاری فکر می‌کردند در جنگ شهید شده، پس از سال‌ها به دنبال خانواده‌اش است. او قصد دارد به زندگی‌اش برگردد اما ناگهان متوجه می‌شود خانواده و زندگی‌ای که متعلق به اوست سهم دیگری شده. همسرش بی‌خبر از زنده‌بودن او حالا با فرد دیگری ازدواج کرده و کشمکش‌های داستان شروع می‌شود. همین خط قصه باعث شد فیلم به بن‌بست بخورد و مهر توقیف سال‌ها همراهش باشد. در صورتی که باید زبان گفت‌وگو را پیش بگیریم و درباره موضوعات اجتماعی در سینما صحبت کنیم.

فکر می‌کنم اکنون در مرحله‌ای هستیم که محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی می‌تواند طرحی نو دراندازد. چراکه باید کاری کرد تا وضعیت سینما رو به بهبود حرکت کند. به سمت ساخت فیلم‌هایی حرکت کنیم که هم تماشاجی از دیدنش لذت ببرد و هم بازگشت سرمایه داشته باشد و هم‌زمان مدیر سینما خوشحال باشد که چراغ سالن‌هایش خاموش نمی‌شود. ششاد در حال حاضر راحت‌ترین کار ممکن ساخت و اکران فیلم‌هایی است که عنوان کمدی دارند و به هر قیمتی مخاطب را می‌چندانند. به نظرم فیلم‌هایی از این دست تنها فیلم‌هایی سخیف و بی‌بوی و بی‌خاصیت هستند که برای مدتی مخاطبی را که به دنبال سرگرمی است، راهی سالن‌های سینما می‌کند. تفکر لازمه ساخت فیلم در سینماست و به نظرم آدم بی‌تفکر جایی در سینما ندارد.

کنترل نرخ تورم در بند اقتصاد سیاسی

مهار تورم را با خود می‌آورد. آنچه باید تأکید کرد، این است که این رکود موقتی است، ولی زمینه‌ساز جدی مهار تورم خواهد بود که به‌زودی کاهش رشد اقتصادی جای خود را به رشد اقتصادی می‌دهد و توسعه سرمایه‌گذاری، صنعتی و اقتصادی در میان‌مدت و بلندمدت حادث خواهد شد. در این رویداد اقتصاد ملی تقویت می‌شود و رشد اقتصادی و رونق تجارت خارجی و اقتصادی در کنار کنترل نرخ تورم، باعث افزایش درآمدهای ارزی شده و ارزش پولی ملی روند صعودی به خود خواهد گرفت. آنچه مطلوب است، رخ می‌دهد؛ تقویت ارزش پول ملی، ثبات اقتصادی، ورود موفق به بازارهای جهانی و حرکت در جهت توسعه اقتصادی.

● دبیر کمیسیون توسعه بازرگانی بنیاد امید ایرانیان

ادامه ازصفحه اول

یک سوبه جذاب دیگر از شکل

شیخ‌وارگی زندگی آن است که ارواح به‌درنت از یک لیدر پیروی می‌کنند، خواه لیدر سیاسی یا غیرسیاسی، و همچنین آنها گرایشی نیز به هدایت دیگران ندارند. هرچند این وضعیت موقتی است و با وضعیت دیگر جایگزین و پر خواهد شد؛ اما تجربه کوتاه ریستن در وضعیت سیاست افقی تجربه‌ای ماندگار است

خبربرگزیده

پیکر حسام محمودی به خاک سپرده شد

پیکر حسام محمودی، بازیگر جوان سینما و تلویزیون، صبح روز گذشته ۱۵ اردیبهشت در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد. او شامگاه ۱۲ اردیبهشت در ۳۷سالگی بر اثر ایست قلبی در منزلش از دنیا رفت. در ابتدای این مراسم باربد بابایی که اجرای برنامه را بر عهده داشت، گفت: مطمئمن هیچ‌کس از حسام محمودی خاطره بدی ندارد، او قلب رئوف و مهربانی داشت و به افتخار همه خوبی‌های او دست بزیند.

شهره سلطانی، بازیگر، در سخنانی کوتاه گفت: «من تقریباً ۹ ماه سر سرپال «لحظه گرگ و میش» با حسام محمودی همکار بودم. چه بگویم از خوبی و از شرافت و از مهربانی‌هایش، چه بگویم؟!». او ادامه داد: «او همکار و دوست خوبی بود. چند ماه قبل قرار بود با هم کار کنیم؛ اما قسمت نشد. روحش شاد. باز هم تشویقش کنید».

سپس علیرضا کمالی، بازیگر، به روی صحنه آمد و در سخنانی کوتاه از انده این فراق گفت؛ درحالی‌که بسیار متأثر بود. نوید محمودی، کارگردان و تهیه‌کننده هم در سخنانی گفت: «سال‌ها با حسام دوست بودم و خواهم بود، دو شب پیش داشتم فکر می‌کردم، ما موجودات تنهایی هستیم که همه از ما توقع دارند. وقتی یک کاری می‌کنیم شما ما را دوست دارید؛ اما وقتی کاری دیگر می‌کنیم بدتان می‌آید».

او خطاب به مردم گفت: «شما نمی‌دانید شادی و غم شما

چه بر سر ما می‌آورد. هرکدام از عزیزان ما می‌رود، بخشی

از قلب ما می‌رود، حسام کاری با من کرد که تا ساعت‌ها

نمی‌توانستم باور کنم. بسیار او را دوست داشتم. عزیز و نجیب

بود. لطفا هرکسی صدای من را می‌شنود، تو را به قرآن مراقب

ما باشید، ما موجودات تنهایی هستیم که بتوانیم شما را راضی

نگه داریم».

محمودی با اشاره به درگذشت کیومرث پوراحمد، کارگردان،

در چند وقت گذشته ادامه داد: «آن اتفاق هم متأثرکننده و

عجیب بود و درگذشت حسام هم عجیب‌ترین اتفاق این چند

وقت اخیر بود. حسام محمودی بسیار عزیز و دوست‌داشتنی

بود». مجری برنامه هم در ادامه با اشاره به خانه‌نشینی

برخی هنرمندان در چند ماه گذشته بر سخنان نوید محمودی

تأکید کرد. پدر و همسر حسام محمودی با وجود درخواست

مجری برنامه نتوانستند به دلیل شرایط روحی نامناسب روی

صحنه برای سخنرانی حاضر شوند. پیکر حسام محمودی

پس از خواندن نماز میت در قطعه هنرمندان به خاک سپرده

شد. مازیار میری، همایون اسعدیان و نوید محمودی، هادی

حجازی‌فر، علیرضا کمالی، فرید سجادی‌حسینی، شهره

سلطانی، اینانیا شومون، علیرضا استادی، باران کوثری و…

از دیگر هنرمندان حاضر در این مراسم بودند. محمودی که

این روزها فیلم سینمایی «غریب» را روی پرده سینماها دارد،

نخستین‌بار با سرپال «گاهی به پشت سر نگاه کن» مازیار میری



بازیگری را شروع کرد و با مجموعه «گرگ و میش» همایون اسعدیان به شهرت رسید، فیلم «عطرآلود» هادی مقدمدوست در کنار فیلم «غریب» از آخرین آثار این بازیگر در جشنواره فجر سال گذشته بودند. «مانتیسسم عماد و توبا»، «آستیکمان» «سد معیر»، «مرگ ماهی»، «امروز»، «حق سکوت»، «مردن به وقت شهروپر»، «شب بیرون» و «خسته نباشید»، از دیگر فیلم‌های سینمایی این بازیگر بودند.

یادداشت

«رصتا» یک تشکیلات اداری دولتی است

مهدی کوهیان، حقوق‌دان حوزه رسانه؛ با توجه به صلاحیت چهار وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی، صمت، کار و کشور که مسئولیت نظارت با صدور مجوز و اجازه فعالیت صنفی و تخصصی را دارند، اطلاع دارم که پیکر تشکیل مجمع «رصتا» بودند و بارها عدم قانون‌مندی این مجمع را به مسئولان ساترا و صداوسیما متذکر شدند. با توجه به این تذکرات، ساترا از ادعای اولیه‌اش مبنی بر اینکه رصتا مجمعی مردم‌نهاد و خصوصی داشته و صداوسیما صرفا نقش تسهیلگری دارد، عدول کرد. حتی از این موضع که نماینده واقعی پلتفرم‌هاست هم کوتاه آمد.

در نهایت مجمع با حضور نماینده سازمان بازرسی کل کشور برگزار شد. همین که نماینده سازمان بازرسی کل کشور در مجمع این تشکیلات حاضر شد، نشان می‌دهد که «رصتا» یک تشکیلات دولتی است چون طبق اصل صدهدفتادوچاره‌ام قانون اساسی؛ براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرائی صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. همان‌طوره که می‌بینید وظیفه سازمان بازرسی نظارت بر دستگاه‌های اداری است و در موضوع حاضر نشان‌دهنده این است که رصتا یک تشکیلات اداری دولتی است. در مرحله بعد ساترا اعلام کرد که این جمع شورایی مشورتی است. همین جمله هم باز نشان می‌دهد که از مواضع خود عقب‌نشینی کردند. فکر می‌کنم حضور به‌موقع ما به عنوان شهروند و انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئویی برخط و حضور تعدادی از نمایندگان مجلس باعث شد تذکراتی داده شود. خوشحالم که صدوسیما از انجام یک عمل غیرقانونی خودداری کرد و به تذکرات و نکاتی که در این مدت گوشزد شد و فعالان این حوزه در فضای عمومی مطرح کردند، توجه کرد.